تمام مراسلات و تلگرافات باید باسم مؤسس و مدیر کل ❖ مجد الاسلام ❖ کرمانی باشد مراسلاتیکه باداره میرسد چه درج شود وچه نشود صاحبش حق استرداد ندارد اجرت پست در همه جا بعهدهٔ اداره است هر هفته پنجشنبه طبع و جمعه توزیع می شود

§ حب الوطن من الایمان §

ندای وطن

(هل من ناصر ینصرنی)

آزادی آبادی

عجالةً ماهی چهار نسخه طبع و یک جلد کتاب هم بمشترکین تقدیم میشود

آبونه اشتراک سالیانه

طهران ۲۵ قران
سایر بلاد محروسه ۳ تومان
در عثمانی و مصر ۴ مجیدی
در امریکا و فرنگ ۱۴ فرانک
روسیه و قفقاز ۸ منات
در هندوستان ۱۲ روپیه

اجرت اعلانات سطری یکقران در صورت تکرار ده شاهی گرفته میشود قیمت یک نسخه سیصد دینار است

بتاریخ پنجشنبه ۱۱ ذیقعده ۱۳۲۴
مطابق ۲۷ دسامبر ماه فرانسه ۱۹۰۶
موافق ۱۱ دیماه سال ۸۲۸ جلالی

این روزنامه بکلی از قید رسمیت آزاد است و از مطالب سیاسی و قوانین اساسی و ملخص آثار و نتایج دار الشورای ملی ایران وکلیهٔ اخبار داخله و خارجه بحث مینماید مقالات علمی ادبی تجارتی که مفید بحال ملت و منافی بادین و دولت نباشد پذیرفته و درج میشود تصویرات مؤسسین محترم و وکلا مفخم مجلس شورای ملی را تدریجاً با گراور نشان میدهد

(خوش اساسی سرجا شاهنشه اعظم نهاد) *(ملک و ملت دین و دولت تا ابد خوش نهاد)*

(شه اساس نیک حق در جهان محکم نهاد) *(مجلس شورای ملی باز فرمود و عدل)*



(قلمستان در فلک گوید باخیل ملک) *(بلبعت ملیون خلق می گویند با صد افتخار)*

(شه مظفر فتی خوش رفیق آدم نهاد) *(شاه ایران نام نیکی در هر عالم نهاد)*
۱ ۳ ۲ ۴

(هو الامر شوری بیننا جائنا بها) (محمد المبعوث من خیر معشر) (محی ابها استبداد نافاعاد ها) (وزان بها التاریخ (عدل مظفر)
۱۳۲۴

اهم فرایض

وظیفه اهم و فریضه تمام اهالی ایران از اعلی وادنی بزرگ و کوچك مرد وزن فقیر وغنی این است که از صمیم قلب وتوجه نفس از بارگاه حضرت احدیت دوام دولت وازدیاد شوکت وصحت عافیت برای اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافدا مسئلت نمایند چه علاوه از حقوق عظیمه سلطنت حق بزرگ بر تمام مردم ایران بواسطه موهبت کبری ومرحمت عظمی که این ایام ثابت ومکنون خاطر چندین ساله را که بانتظار وقت ولیاقت محل در خاطر خطیر همایونی مستور بود ظاهر فرمودند وچهل کرور نفوس را خلعت حریت مرحمت فرمودند واساس دین مقدس اسلام را که مبنی بر اصول مشاوره است اجرا وامضا وروح اقدس حضرت رسالت پناه را از این اکرام شاهانه وانعام ملوکانه راضی وخوشنود فرمودند وازامروز میتوان گفت احکام قران در ایران رواج گرفت چه برحسب نص صریح کتاب اسمانی «وامرهم شوری بینهم» اساس دین پاك اسلام برشوری گذاشته شده و شخص اقدس نبوی با انکه درباره اش فرمان استقلال (وماینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی * علمه شدید القوی) صادر شده بود وحکم یزدان محتاج مشاوره این وان نیست وتمام عقول بشری در جنب عقل کل وخلاق عقل ناقص وضعیف و متصف بجزئیت و معترف بجهالت است وگوینده «ربنا لاعلم لنا الا ماعلمتنا» ولی محض اتقان امر مشاوره که مبنی ائین اسلام است به نفس نفیس اصحاب را صلای عام درداده ودرهر امر بالنها بنای مشورت نهاده ونفاذ وانجام امور را باغلبیت ارا مقرر میفرمودند و مکرر اتفاق میافتاد که در مورد تساوی ارا وتردید شخص بی طرف را حکم قرار میداد تا انکه پیروان این دین حنیف ومعتقدین باین ائین شریف بدانند که استبداد مخالفت حکم قران است ومشورت مطابق فرمان یزدان استبداد از جنود شیطان است ومشورت مقصود رحمان است استبداد مخرب دین ودولت است ومشورت محیی ملك وملت خرابی بلاد وشیوع ظلم وبیداد ورواج فتنه وفساد تمام از نتایج وخیمه استبداد است وابادی مملکت و آزادی ملت وتحصیل ثروت وترقی صناعت همه از اثار کریمه مشورت است بزرگترین دول روی زمین با اینهمه کروفر که آوازه قدرت وصیت سطوت وشجاعتش گوش فلك را کر کرده بود از دولتی کوچك که اسمش را هم اهل عالم درست نمیدانستند ودر انجمن بین الملل نو باوه تمدن و طفل دبستان ترقیش میدانستند شکست نخورد مگر از شامت استبداد ودولت فاتح باین شرف وفتح عظیم نائل نشد مگر از سعادت وشرافت مشورت

مشورت بیدار وهشیاری دهد   عقلها مر عقل را یاری دهد

مجملا چون اهم مقاصد و عمده بحث ما دراین روزنامه راجع بهمین مسئله وازهمین مواد است اینک بهمین اختصار قناعت نموده بعموم ملت نجیبه ایران یاد آوری مینمائیم که وظیفه خود را بشناسند و دعای دوام دولت این سلطان عادل باذل شاهنشاه رعیت نواز را بزرگترین فرائض یومیه خودشان بدانند وبعموم ملت شاه پرست بشارت میدهیم که دعوات خالصانه انها دردرگاه خلاق علی الاطلاق مستجاب ومزاج مقدس همایونی درکمال صحت و انشاءالله تعالی عما قریب رفع جزئی کسالت هم از مزاج اقدسش خواهد شد واین دعارا ملائکه آسمانها امین میگویند

جهانت بکام و فلك یار باد
جهان آفرینت نگهدار باد
غم از گردش روزگارت مباد
وزاندیشه بردل غبارت مباد
دل و کشورت جمع ومعمور باد
زملکت پراکندگی دور باد
که بر خاطر پادشاهان غمی
(پریشان کند خاطر عالمی)

وشرح عنایات ملوکانه واقدامات کریمانه والاحضرت اقدس اعظم ولیعهد گردون مهد مدظله العالی را در استقرار واستقلال وتوسعه وتقویت مجلس شورای ملی را درشماره آتیه مینگاریم تا عموم ملت بدانند ولی نعمت زاده اعظم هم باکمال رافت ونهایت مرحمت طالب آسایش رعیت است و آبادی مملکت

ومن یشابه ابه فما ظلم

(ابلاغ مبارك از مقام منیع صدارت عظمی مدظله)

جناب مستطاب شریعتمدار آقای مجد الاسلام دام افضاله

عرض میشود عریضه وامدیحه جنابعالی بخاکپای مبارك همایونی ارواحنا فداه تقدیم و استدعای جنابعالی درخصوص طبع وتوزیع روزنامه موسومه (بندای وطن) درخاکپای مبارك مقبول واجازه مرحمت شده البته باکمال امید واستظهار بمراحم والطاف ملوکانه بطوریکه لازمه دولتخواهی ووطن پرستی جنابعالی است وامتحانات کامله داده اید مشغول خدمت بدولت ونشر معارف وایقاظ ملت باشید بوزارت جلیله انطباعات هم نوشته شد که اجازه طبع روزنامه بجنابعالی مرحمت شده است زیاده چه نگارد شهر ذیقعده ۱۳۲۴

سواد دستخط انجم نقط همایونی

روحنا فداه

جناب اشرف صدراعظم اجازهٔ طبع روزنامه

(مرحمت شد شوال ۱۳۲۴)

((مجلس شورای ملی)) بحمدالله والمنه ازمیامن اقبال بی‌زوال بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلام پناه ابدالله تعالی عیشه واید جیشه مجلس محترم در ایام معهوده درظل حمایت حضرت حجة‌الله صاحب‌العصروالزمان ارواحنافداه بسرپرستی علماءاعلام وحصون اسلام ابد الله تعالی بقائهم وعضویت عقلاء مملکت ودانشمندان ملت و رؤسای اصناف وبعض وکلاءاطراف منعقد ودراصلاحات لازمه مملکت ومسائل راجعهٔ بملك و ملت بحث مینمایند و عما قریب آثار ونتایج مطلوبه آن برهردوست و دشمن وضح و معین خواهد گردید وباید دانست که تمام‌امور عالم تدریجی‌الحصول‌است نه‌آنی‌الوصول وذات اقدس احدیت باقدرت واحاطه خلاقیت اوضاع خلقت‌را بتدریج مقرر فرموده وخلق آسمان وزمین‌رادرشش‌روز نمود تا آنکه بندکانش درکارها عجله ننمایند وجاده بی‌حوصلکی نه‌پیمایند که (العجله من الشیطان) (و التانی من الرحمن) ومسلم است کار شیطان هرگز پیشرفت ننماید ودیری نپاید ولی اعمال رحمانی همیشه متصف باتفاق ودوام وبقاخواهد بود ولاسیما کارهای بزرك ازقبیل اصلاح خرابیهای یك مملکت وترتیب آسایش یك‌ملت که‌محتاج است بهزار مقدمه‌وموقوف‌است بصد هزار وسیله که بتدریج باید یك یك‌را فراهم نمود و مردمان کوته‌ انظار همچون کمان میکنند بمجرد‌افتتاح مجلس شورای ملی فوراً ایران آلمان وانکلیس وطهران لندن‌وپاریس خواهد شد وانهمه صنایع و بدایع که ملل‌متمدنه درظرف پانصد سال بصرف هزاران ملیون پول وترتیب مدارس عالیه بلکه بفدیه‌نفوس خطیره و تحمل مخاطرات کثیره تحصیل کرده اند فوراً برای مجلسیان کشف میشود ومجلس پارلمان هم بعلت مبدهد معادن استخراج میشود وطرق و شوارع‌اسطیح میکردد بواسطه امتداد خط آهن بلاد بیکدیکر متصل وکارخانها دایر ومایحتاج سی کرورمخلوق ازهرجهة فوراً حاضر میشود وملتفت نیستند سیصد سال است که‌ملل‌مغرب بیدار وشب و روز باکمال جد واصرار مشغول کار بوده اند

وملت ایران درخواب و خمار حالا بقدر سیصد سال از قافله تمدن عقب افتاده اند وباپای لنك درمعابر تاریك‌وتنك نه پای شتاب دارند ونه جرئت درنك ناچار بابخت‌خویش واقتضای آسمانی بستیزه وجنکند وکردش لیل ونهار واوضاع روزکاررا متهم نموده وغافلند ازاینکه هرچه هست ازقامت ناساز بی‌اندام خودمان است والا تشریف تمدن رقابت هیچ‌ملتی کوتاه‌نیست والعیاذ بالله فیاض علی‌الاطلاق درحق احدی بخل نفرموده و نمیفرماید (انا هدیناه النجدین اماشاکرا واما کفوراً) راه‌را از چاه ممتاز فرموده تااحدی کمراه‌نشود ودرچاه‌نیافتد ودیکران همین راه تنك وتاریك را باقوت قلب و چراغ دانش پیمودند ودرسرمنزل مقصود غنودند وماهنوز اندرخم‌یك‌کوچه‌ایم پس ملامت برخودمان است که بعار و شنار رضا داده وبخیال تحصیل نام وافتخار نیافتاده‌ایم وهروقت که‌این ملت‌خواب‌آلوده بیدار میشد اولش همین‌است و قدم نخستینش همچنین همچنانکه بنای عمارتی‌عالی بدواً محتاج است بخرابی وکندن‌زمین‌وساختن کل وآوردن مسالح وترتیب لوازم وصبر وتامل و صرف مبالغی نقد وبکار انداختن عمله وبنا وامثالها تارفته‌رفته‌بعداز مدتها انتظار ومصارف بی‌شمار قابل سکونت کردد تاسیس بنیان‌عظیم‌الشأن تمدن وتشکیل عمارت رفیع‌البنیان ترقی هم درهرمملکت که مشاهده میشود آبش از خون‌دانشمندان وخشتش از ابدان وطن پرستان بوده و حمد خدایراکه دراین مملکت‌از مکارم ومیامن وجود مقدس اعلیحضرت شاهنشاه ترقی‌خواهروحنافداه و عنایات شامله والاحضرت اقدس‌اعظم ولیعهد کردون‌مهد مدظله‌الاعلی واقدامات دولتخواهانه واهتمامات ملت‌پرستانه حضرت مستطاب‌اشرف‌افخم صدر اعظم مدظله وسایروزرادیندار وطن خواه شاه پرست وجنبش غیورانه‌علماء اعلام ابدالله تعالی بقائهم ومساعدت ومعاضدت عقلاء مملکت ودانشمندان ملت باکمال سهولت ونهایت ملایمت و مسالمت تشکیل مجلس‌مقدس شورای ملی دراین مملکت شد وماشرح اقدام و اهتمام‌هریك ازمؤسسین محترم‌را باتصاویرمنیره انها مرتباً در صفحات این روزنامه درج وترسیم مینمائیم تا افراد ملت قدر نعمت‌وجود مقدس هریك‌را بخوبی بشناسند

وصریحاً یاد آوری مینمائیم که عموم ملت باید این متاع بسیار نفیس‌را که‌بقیمت ارزان‌خریده اند کرانتر ازجان نکاهدارند وارزان نشمارند وبامراقبت تامه ملاحظه دوام وبقاء این اساس مقدس‌را بنمایند که امروزه حفظ جان ودین وناموس انهابحفظ

این مجلس منوط واسایش آزادی عموم افراد رآبادی تمام بلاد بترویج آن مربوط وفی الحقیقه اکر کسی بر ضد مجلس محترم اقدامی نماید دشمنی بجان ودین وناموس خود کرده است

(ذم خورشید جهان ذم خود است)
(که دو چشم کور وتاریك و بد است)
(تو بخشا بر کسی که او در جهان)
(شد عدوی آفتاب کامران)

و مسلم بدانند ماه تاب را بکل نتوان اندود وقافله تمدن را ازبانك علالای خود نتوان متوقف نمود

زانکه از بانك و علالای سکان
هیچ وا ماند زراهی کاروان

وامروزه سی کرور ملت ایران وبلدان ایران وده کرور ایرانی در سایر ممالك وبلدان بتمام حواس خود متوجه اعمال این مجلس هستند وتمام جان ومال خود در حفظ وحمایت او حاضرند وچنانکه کفتیم انها که بر مجلس طعن میزنند وانهارا بعدم پیشرفت سرزنش میدهند از کوته نظری وبی اطلاعی خودشان است وما بر حسب وظیفه مقدسه خود بقدر مقدور دروظائف مجلس مقدس بحث مینمائیم واز عموم دانشمندان داخله وخارجه استدعا داریم انچه راجع بخیر عامه واسباب ترقی ملت و ملت میدانند بنکارند که امروزه وقت کفتن ونوشتن و راهنمائی کردن است و یقین بدانند مجلس مقدس اراءعاقلانه عقلاءرا بخوبی خواهد پذیرفت وحمد خدارا استبداد در میان نیست همه یك غرض دارند وتمام مسخر یك مقصودند وحاصل مقصود تمام این است که این یك مشت ملت فقیر را از حملات خارجه ومخاطرات داخله حفظ نمایند وبر قدرت دولت و ثروت ملت بیافزایند وانشاالله تعالی راه سیصد ساله را در اندك فرصتی طی خواهند کرد واز خداوند مزید توفیق انهارا مسئلت داریم

(بقیه دارد)

(تشکر وافتخار)

برخاطر مبارك هموطنان محترم وآقایان مفخم پوشیده نیست که این بنده باعدم بضاعت وقلت استطاعت دوسال تمام باتمام جان وحال ومال ومحال بقدر مقدور واندازه میسور درراه خدمت بدولت و بسط معدلت و تربیت ملت وآبادی مملکت کوشیده ودر طی این راه سعادت متحمل هرکونه مخاطره و زحمت ومورد هزار قسم محنت و مصیبت شده تا انکه بفضل وکرم حضرت احدیت وتوجهات کامله والطاف شامله حضرت بقیة الله ارواحنا فداه آفتاب اقبال وسعادت این مملکت و ملت طالع وسایه بلند پایه رافت ومعدلت ومرحمت شاهنشاه عادل باذل ترقی خواه شامل حال ومتکفل اصلاح استقبال انها کردید ومستدعیات ملت درخصوص تاسیس مجلس شورای ملی که اولین وسیله ترقی وتمدن ملت است درپایه سریر اعلی پذیرفته وبانهایت فضل وکرم آزادی افکار وقلم بوکلاء ملت ودانشمندان مملکت مرحمت فرمودند وفی الحقیقه تاریخ ایران تجدید وصفحه تاریخ عالم بذکر این موهبت ملوکانه مزین ومشرف کردید و خاطر های افسرده شاد ودلهای پژمردهٔ خرم وآزاد کردید وهمانطور که بعنایات شاهانه سی کرور مردم ازذلت رقیت ومسکنت رسته وپایدارهٔ حریت نهادند این بنده هم از محبس کلات مرخص وبدار الخلافه مراجعت نموده ولی بقدری درمدت مسافرت مبتلای برنج ومحنت وکرفتار ضرر و خسارت شده بود که هرکز خیال تجدید مطلع نمینمود ودر کوشه نشسته وزبان بسته و قلم شکسته ورشته تمام علایق را کسسته بودم تا اینکه ازاطراف و اکناف مکاتیب ومراسلات اعیان واشراف سلسله جنبان شوق وتازیانه غیرت شده وبا انکه تمام هستیم ازاین سفر پرخطر بباد رفته بود مطالعه این مرقومات بر قوت عزم وقدرت قلبم افزود وقریب دویست پاکت از دار الخلافه طهران وسایر بلاد داخله زیارت نمودو ملخص تمام انکه بنده را بروزنامه نکاری ترغیب و تشویق فرموده وبخلوص نیت وصفای فطرت ستوده بودند وبااینکه از هرجهة از بزرکان مملکت شرمنده وغریق خجالت بودم که نتوانستم خدمتی لایق تقدیم دارم زیارت این مرقومات ووصول مراسلات بیکمرتبه دیوانه ام نمود واز عقل وهوش بیکانه وبا خود خیال کردم حالا که دانشمندان مملکت بضاعة مزجاة مرا بقیمت جزاف میخرند وچون قدح دست بدست میدهند چرا مضایقه نمایم وکوی مسابقة نربایم بامساعدت استشارة ومعاضدت واستخار امر وفرمان بزرکان را اطاعت نموده بعد از صدور اجازه ودستخط جهان مطاع همایونی روحنا فداه وتصدیق وتصویب مقام منیع صدارت جلیله عظمی شید الله ارکانها شروع باین بزرگ خدمت بملت ودولت نموده او چون شروع دراین مشروع واستیناف و رجوع بر حسب استدعای دوستان و هموطنان شده لهذا این روزنامه را موسوم به « ندای وطن » نمودو بهمان ترتیب که در سابق داشتیم هفته یك نمره طبع و توزیع میشود وچون تقسیم کتاب بطور جزو جزاسباب زحمت مشترکین عظام بوده

واغلب جزو های ان مفقود میشد لهذا قرار داد یم بهر کدام از آقایان عظام که قبول اشتراك مبغر مایند دروسط سال یك جلد کتاب رومان بسیار شیرین تقدیم خواهم نمود وورقه کاریکاتور را هم بعد از دو سه هفته باسلوبی مطلوب طبع وتقسیم خواهم کرد وبااینکه قریب سه هزار تومان ازاین توقیف ومسافرت ضرر بودم دیر ذمه وطن پرستان جبران این خسران لازم بود محض خدمت بعموم وسهولت اشتراك بچهزار ازقیمت معمول سابق کسر کردم تا همه بدانند درصدد مداخل نیستم وبهمان قیمت کاغذ واجرت طبع ومواجب فراش واجزا قناعت دارم لهذا قیمت سالیانه این روزنامه در طهران دو تومان و پنجهزار ودرسایر بلاد داخله سه تومان مقرر گردید واز خداوند توفیق میطلبم انه ولی التوفیق حسبی الله نعم المولی ونعم الوکیل ونهایت تشکر را دارم ازاینکه زحماتم بهدر نرفته و صدماتم ضایع نشده وملت قدر دان ایران قدر انهارا بخوبی میدانند وکمال افتخار را ازاین قبول عامه دارم وامید وارم بیشتر ازاپیشتر موفق بخدمت باشم (استدعا) از آقایان وقایع نگاران باکمال احترام استدعا میشود که درامر وقایع نگاری ازاین وبعد بملاحظه تغییر اوضاع عالم اعراض شخصیه را بالکلیه کنار بگذارند ودامان عفت ماو روزنامه مارا بلوث تهمت ودروغ ملوث نمایند وهرگاه خدا نخواسته مطالبی را برخلاف دیانات باداره بنویسند وطرف مقابل منکر صحت ان نسبت بشود تکلیف ما این است که نویسنده را در معرض مسئولیت بیاوریم وخودمان را بی طرف قرار دهیم و بنا برینکه مینگارند خیلی ساده وبامضای خودشان باشد و ماعین ورقه بامضای ایشانرا برای سند اداره ضبط مینمائیم که در مواقع ضرورت بتوانیم همان را ارائه بدهیم واز سایر دانشمندان مملکت که مقاله مینویسند مستدعی هستیم طوری مرقوم دارند که فی الحقیقه مستلزم خیر عامه باشد واگر ضمناً اعتراضی بر کسی وارد نمایند ناچار باید بامضاً نگارنده باشد بضمیمه تعرفه کافی والا درج نخواهد شد ومقالاتیکه مقید بامضاً نیست فقط مقالاتی است که مفید بحال ملت باشد ومنافی بادین ودولت نباشد وبر احدی هم اعتراض و کنایه نداشته باشد والا محتاج است باطمینان اداره وحاصل نشود مگر بامضاً وتعرفه کافی وتوضیحاً مینگاریم که محل طبع وتوزیع ورجوع مردم فعلا موقتاً در مطبعهٔ شرقی مقابل شمس العماره است وهمه روزه سوای ایام تعطیل از ظهر تا دو ساعت ازشب گذشته مدیر ودفتردار وسایر اعضا درانجا حاضرند وعنوان مکتوبات ومراسلات فقط باسم مجدالاسلام کرمانی باید باشد

واز عموم اقایان عظام که در دارالخلافه طهران روزنامه برای ایشان فرستاده میشود استدعا داریم هرگاه راغب باشتراك نشدند نمره اول و دویم را که بعنوان نمونه فرستاده میشود عیناً باداره عودت دهند وهرگاه دو نمره را قبول فرمودند اسم ایشان در دفتر مشترکین ثبت خواهد شد

§[(ندای وطن)]§

اگر کسی را گوش شنوا باشد و گوش و هوش فرادارد در جو هوا وفضای لاتناهی صدائی شور انگیز ونداتی رقت خیز وناله حسرت آمیز میشنود که متصل استغاثه و استرحام مینماید ❁ هل من ناصر ینصرنی ❁ هل من راحم یرحمنی ❁ هل من مغیث یغیثنی ❁ واین آواز جانگداز بقدری مؤثراست که اگر بر کوه خاره بخوانند پاره پاره میشود

❁ ازدل الوند دود تیره برآید ❁
❁ سوك وطن گر فتد بدامن الوند ❁
❁ وار بدماوند ازاین حدیث سرائی ❁
❁ آب شود استخوان کوه دماوند ❁

وشاید بعضی مردمان بی سمع وبصر یعنی کور وکر باشند که بنبه غفلت در گوش واز شنیدن این ندای روح گزمحروم واز اجابت ان خاموشند وانها ازباده جهالت مست ومدهوشند والا چگونه میشود عاقل بیدار این صدا رانشنود وجواب مساعد ندهد وجان ومال را در راه اغاثه صاحب آن ندا بذل و فدا نماید واگر درست بدیده تحقیق بنگریم خواهیم دید از ابتدأ تکوین عالم تا انقراض سلسله بنی آدم همه وقت این منادی بالحان مختلفه مردم را بیاری خود میطلبد وهر اثریکه در صفحه عالم واقع شده است از آثار این ندای پنهانی بوده است و هرچند منادیرا نشناخته وندیده اند ولی ندارا بخوبی شنیده اند واگرچه بزبان ظاهری جواب نگفته اند ولی در عالم تکوین از تمام شراشر وجودشان کلمه سمعنا واطعنا بلند است

❁ در اندرون من خسته دل ندانم کیست ❁
❁ که من خموشم و او درفغان و درغوغا است ❁

وشگفت آنکه هر کس همت بریاری واجابت این منادی غیبی گماشت علم فتح وفیروزی برافراشت وهر کس نشنید و معاونت ننمود پست ونابود شد چنانکه انگلیسها شنیدند و در انتصارش دویدند وهندیها گوش هوش خود بربستند وراحت نشستند:

لاجرم سی هزار انگلیس ششصد کرور هندیرا اسیر سرپنجه قدرت خودشان ساختند وهریک نفر بده هزار نفر تاخته ده کرور مردم هلاند برابر این ندا بشتافتند اقیانوسی را شکافتند تاآنکه شصت کرور نفوس را که ازاستماع ندای منادی غیبی امتناع داشتند درقبضه اقتدار خود اسیر وذلیل نمودند خوش بخت ملتیکه بشنود و ازحالات انها که نشنیدند عبرت بگیرد وتا وقت باقی‌است بفریاد این منادی مظلوم که وطن عزیز اوست برسد وتا دشمنان از اطراف قطعه قطعه اش نکرده‌اند و تجزیه‌اش ننموده اند و زینت واثاث اورا نبرده‌اند بحفظ او بکوشند ومال‌وجان‌و ناموس و آسایش وبالاخره هویت خودرا درظل حمایت او حفظ و حراست نمایند والا «درخانه چه برباد رفت خانه خدارا»

«جای نماند بده بجهان تو سوگند»

و این ندا درگوش هر کس بر حسب استعداد و لیاقت انشخص وقابلیت محل صدائی میکند وهرچند یک جمله بیشتر نیست ولی درمقام تحلیل عقلی منشعب بچندین جمله میشود بقیه دارد

مدرسه سلطانی

این مدرسه‌یکی از مدارس‌عظیمه مابه دارالخلافه است و تقریباً دوسال‌است بهمت مرحوم وقارالملک وجمی دیگر دایروتأسیس شده‌است واینک در تحت مراقبت تامه جناب میرزا حبیب الله خان ودر نهایت انتظام‌است این اوقات که مذاکره‌وتأسیس بانک‌ملی درمیان آمده وعموم اهالی ایران مساعدت انرا اهم فرائض خود میدانند ومخصوصاً شاگردان مدارس که در همه عالم مقدمة‌الجیش تمدن و پیش آهنگ قافله ترقی بوده‌اند در ترتیب وتأسیس ان شوری مخصوص پیداکرده‌اند وچنانچه درجریده محترمه مجلس شرح مساعدت دو سه مدرسه را تاکنون ثبت ارقام فرموده‌اند این مدرسه هم بحسن اهتمام میرزا حبیب‌الله خان شاگردان شروع بجمع آوری و جوهات نموده‌اند وتاکنون مبلغی ازطرف محترمین‌انها جمع‌شده‌است ودیگران هم درکارند وا سامی اشخاصیکه تاکنون وجهی داده‌اند ازاین قراراست جناب آقای میر تضوی دام اقباله برای سه نفر اولاد امجاد خود مرحمت‌کرده‌اند پنجاه تومان جناب آقای معین‌العداله برادر مرحوم مشیرالدوله برای یک نفر فرزند دلبند خـود بکمدد بند ساعت اعلی که هفت مثقال طلااست جناب آقای بنان‌السلطان برای یک نفر سلیل جلیل خود پنجاه تومان جناب آقای منعم‌الملک برای‌دو پسر عزیز خود پنجاه تومان جناب آمیرزا فتح‌الله مستوفی ملایر وتو پسرکان برای ازاده آزاده خود بیست تومان جناب صلاح‌السلطنه برای سه نفر نونهال خود پانزده تومان وماآقایان عظام‌را بنیل این شرف تبریک میگوئیم ومنتظریم که دیگران هم اقدامات لازمه نمایند وهر کدام‌بقدر وسع خودشان خدمت ببانک‌ملی که‌شرح‌فوائدانرادرشمارهای آتیه مینگاریم بنمایند سه چهار روز قبل یک‌نفر ازنجبای ملت بلجیک که ازطرف وزارت‌علوم‌بلژیک‌بسیرگشی‌وسیاحت‌معارف عالم مامور وهمه‌جارا سیاحت‌نموده وچندیست درطهران بسیاحت مکاتب ایران میپردازد بمدرسه سلطانی آمده ووضع نظافت وانتظام انجارا خیلی پسندیده و تمجید کرده است وتمام حجرات‌را ازابتدائی وعالی گردش نموده دراطاق فرانسه یکی‌ازشاگردان خطابهٔ خیر مقدم برایش خوانده سیاح مزبور را خیلی خوش آمده واظهار مسرت کرده‌است‌ودرجواب‌ان‌خطابه‌نطقی نموده بالاخره اظهار داشته که‌تشکر میکنم ازاینکه بچشم خود میبینم ملت خواب آلوده ایران‌را که‌خوب وزود بیدار شده‌اند وانشاالله تعالی بمقام مجد اصیل وشرف قدیم خود بزودی نائل خواهند شد وبعداز ان دوشیشه عکس ازتمام شاگردان برداشته وبانهایت رضایت وکمال مسرت بمنزل خود رفته است

مذاکرات ملا نصرالدین

با شیخ بهلول

دو سه ماه است از فیض خدمت جنابعالی محروم مانده‌ام مگر شهر تشریف نداشتید شیخ بهلول بلی در خارج طهران بودم — چرا شهر را رهاکرده بخارج رفتید شماکه ماموریت‌دولتی نداشتید ملک هم میدانم ندارید پس چرا رفتید — من‌اصلا از فتنه و فساد و قال‌و قیل خوشم نمیاید همینکه دیدم طهران مهیای انقلاب‌است رفتم بگوشه اسوده خزیدم حالاکه قدری ارام شده بر گشتم — خوب نگردید اتشی راروشن کردید و گذاشتید و گذشتید — من کی اتش روشن کردم اتش از کور . . . . . بلند شد ولی الحمدلله بخیرگذشت

و بر اهل ایران گلستان شد — صحیح است ولی خیلی جای شریف خالی بود مخصوصاً در ایام تحصین در سفارت سور مفق راه بود پلو چائی فراوان سبیل نمیدانم پولهاش از کجا پیدا میشد — منهم نمیدانم همینقدر میدانم بخوبی تمام شد و دولت و ملت اسوده شدند — ای کاش هزار سال دیگر اسوده نمیشدند — چرا مگر تو دشمن ازادی هستی و اسایش مردم را طالب نیستی — بکور پدر مملکت من در ایام سفارت راحت بودم ظهر پلو شام پلو عصر چائی مفتی داشتم حالا که مردم متفرق شدند نان دوغ هم گیرم نمیاید راستی کاش همیشه پلو بود و کاش باز عین الدوله صدر اعظم که شکمی سیر میکردیم — اینحرفها کدام است خداوند مثل آنروزها را نیاورد که هیچ کس راحت نبود — من این فرمایشرا نمیفهمم یعنی چه مردم همه راحت بودند برنج صدری پلو میشد و مردم میخوردند منهم اسوده بودم خون هم از دماغ احدی نیامد واقعاً چه قدر خوش گذشت در باغ سفارت چادر ها زده بودند و عصر ها در کنار باغچه گل کار و نهر اب چائی میخوردیم شبها هم در چادر ها میخوابیدیم هیچ کسی هم متعرض ما نبود گاهی از چادر نرازها بچادر طلاب میرفتیم فوراً چائی سفید و قلیان تنباکوی حکان حاضر بود ازانجا بچادر روضه خوانها میرفتیم شربت نارنج سکنجبین بایخ موجود و محض تفنن گاهی بچادر دلالها میرفتیم شربت به لیمو حاضر از انصاف نمیتوان گذشت خیلی خوش گذشت — خوب اولا بگو بدانم تو جزو کدام صنف بودی و در سفارت چه کار داشتی — بنده ذوفنون و جزو تمام اصناف بودم کارم شور چرانیدن بود وانقدر شلوق بود که کسی از من نمیپرسید چه کاره هستی وباکی داری بسیار خوب حالا من از شما میپرسم چه کاره بودید وباکی حرف داشتید — بنده با تمام دنیا حرف دارم شما که میدانید من مردی غیور ووطن پرست هستم چرا باید این فرمایشات را بفرمائید — خواهش دارم خلط مبحث نکنید ساده حرف بزنید وطن پرستی وغیرت چه ربطی برفتن سفارت وچرانیدن شور دارد — عجب چگونه ربط ندارد مگر شما نمیدانید چه قدر حرفهای خوب انجا گفته میشد — گفتم من در طهران نبودم شما که بودید بفرمائید چه بوده است — من چه میدانم همینقدر میدانم آجیل ماکول بوده وحمایت از آقایان خودمان میکردیم — مقصود کدام آقایان است — انهاکه ازشهر خارج شده بودند و معلوم نبود چه میخواستند بسر انها بیاورند — آیا هیچ فهمیدید که چرا انها را از شهر اخراج کردند — البته فهمیدم انها میخواستند نان وگوشت راارزان کنند . . . میخواست گران بفروشد تا بتواند روزی میانی مداخل کند — معلوم شد هیچ ندانسته و ابداً مطلب آقایانرا نفهمیده مطلب ربطی بنان وگوشت ندارد . خوب شما که خودتانرا عقل کل میدانید و مردمان عاقل وکامل اعتنائی ندارید بفرمائید که برای چه رفتند وغرضشان چه بوده است تامنهم بفهمم . من میگویم ولی مشکل میدانم شما بفهمید . عجب مگر من ازکوه آمده ام چطور میشود نفهمم من مردی دانشمندوخردمند هستم ازهمه جا اگاهم و از شنبه تاجمعه همراه . بسیار خوب حالا گوش بده تا برایت بگویم . چشم گوش میدهم ولی خواهش دارم اولا مغلق نگوئی وساده بگوئی که هرکس بشنود بفهمد همه مردم که مثل من با اطلاع نیستند ثانیاً معنی این حرفها که تازه میان مردم منتشر شده وصد بگشان هم نمیفهمند چه میگویند بفرمائید . کدام حرفها معین کنید تاعرض کنم . الان میگویم صبر کنید روی کاغذ یاد داشت کرده ام که یادم نرود و از شما بپرسم من شصت سال است در میان دانشمندان زندگانی کرده ام و تاامسال این کلمات را نشنیده بودم حالاهم اگرندانم بچها برایم میخندند لابد بایدبدانم . خوب بفرمائیدواین است ازروی کاغذ میخوانم اول مشروطه دوم پارلمان سیم قانون وچهارم آزادی پنجم حقوق حالا همین هارا بفرمائید بقیه دارد

اخبار تلگرافهای خارجه

از لندن ۱۶ دسامبر حکومت فرانسه چندان مداخله واعتنائی برسومات مذهبی کلیسا ها نمینماید وکمانش برانست که کشیشان ومامورین مذهبی با اینکه مجبور باطاعت جناب پاپ اند رویه وپلتیك ایشان را در اینموقع تصدیق ندارند تاکنون متجاوز از پانزده باب عمارت مخصوص کشیشان بزرك و ۲۸ باب اماکن مذهبی دیگر مسدود شده اند

امروز صبح در موقع ادای رسومات مذهبی درکلیسا های پاریس اغتشاشی رو نداد ولی در بعضی از بلاد فرانسه اجماع وهیاهو زیادی بروز کرده وخانهای کشیشان را باد رود وفریاد باند بکلیساهای بزرك واماکن منهبی برده اند دراسلامبول اغتشاشی بروز کرده دویست نفر ازسربازان

مستخدمین بحری که موعد خدمتشان منقضی شده اجماع کرده وصدا بلند کرده‌اند اولا مرخصی خودرا از خدمت دولت طلبیده وثانیاً ادعای حقوق عقب افتادهٔ خودرا مینمایند بالاخره جمعی ازصاحبمنصبان بحری میانجی واقع شده که انهارا ساکت نمایند سربازان مزبوره انهارا سنکباران سختی نموده وزخمها وارد اوردند عاقبت یکی از اجودان های حضور اعلیحضرت سلطانی بانها ازطرف سلطان وعده داده است که مستدعیات انها بزودی قبول شده وترضیهٔ خاطرشان بعمل خواهد امد لهذا دست ازاغتشاش برداشته ومتفرق شده اند

ازلندن ۱۷ دسامبر مسیو ﴿ البس ﴾ نایب وزارت هندوستان بملاحظهٔ کسالت از خدمت استعفا نموده

ولی کمافی‌السابق جزو اجزای پارلمان برقرار خواهد بود

درمجلس پارلمان بلژیك کفتکو ومباحثات طولانی در میان بوده بالاخره نتیجه این شد که دولت بلژیك مصمم کردیده که بجهة ضمیمهٔ کردن مملکت کنکو بدولت بلژیك شروع باقدامات لازمه ابتدائیه بنمایند

روزنامهٔ طیمس مقالهٔ مفصلی درخصوص روابط بین دولتین روس وانکلیس مینکارد که چون دولتین مزبورتین نهایت میل را دارند که رفع اختلافات وکدورتهای دیرینه مابین بشود لهذا تکلیف طرفین برآنست که دست موافقت بیکدیکر داده و در استقرار صلح وترقی ممالك مشرق زمین بکوشند بخصوص برمملکت ایران که اقدامات وتوجه دولتین متفقاً باید اسباب بهبودی احوال دولت و ملت کردیده و این دولت قدیمه را که طرف توجه عالم است دروضع حکومت وبتنظیم امور مملکت بهتری حاصل شده تا انشاالله به ثروت و عظمت قدیمهٔ خود باز کردد بروز وظهور اتفاق بین این دودولت درا ینمورد اسباب ان خواهد شد که دولت دیکری سبقت نموده واین تکلیف را بکردن بکیرد و باینوسیله بحصول مقاصد خود نایل آید ﴿ ندای وطن ﴾ باکمال عجزوانکسار ازدولتین علیتین استدعا داریم درسدد اصلاح حال ما وانتظام دولت وآبادی مملکت ما بهیچوجه برنیایند ومارا بهمین حالت پریشانی بکذارند واز غیرت بزرکان وطن وهمت وکلا مجلس محترم شورای ملی شورای امیدواریم که خانهٔ خودرا خودشان آباد نماید ومنتظر نباشند که دیکران دراین سدد باشند ومسلم بدانند که این ویرانه آباد خواهد شد ولی ارزوی دانشمندان وطن اینست که بدست صاحب خانه آباد شود نه بدست دیکران که آن آبادی عین بربادیست

(اعلان)

کتاب مستطاب فتح اندلس ترجمه وتالیف جناب جلالتماب اجل اقامیرزا ابراهیم خان منشی اول سفارت سنیه دولت بهیه فرانسه که از حلقه های تاریخ اسلام ومشتمل براصول فلسفه تاریخ وتشریح وتوضیح جهت محو و اضمحلال حکومت اندلس درطی روایتی شیرین وتاریخی تمکین چندی است بحلیه طبع اراسته ودرمطبعهٔ خورشید وسایر کتابخانها موجوداست

اعلان

کتاب دختر فرعون که از رومانهای بسیار مطبوع فرانسه است وبنده نکارنده انرا بعد از ترجمه بطبع رسانیده ام ازطبع خارج ودر اداره (ندای وطن) در مطبعه شرقی حاضروبفروش میرسد کسانیکه طالب هستند بانجا رجوع یا ازفراشهای موزع این روزنامه مطالبه فرمایند کامیاب خواهند شد

اعلان

وکالت توزیع این روزنامه در دارالخلافه طهران بامقرب الخاقان اقاسید میرزا وکیل جرائداست ومحل طبع وتوزیع درمطبعه شرقی مقابل شمس العماره وهمه‌روزه مدیرودفتر دار ازصبح تاشام درانجا حاضرند وهرکس مطلب بااین اداره داشته باشد بانجا رجوع نماید وخود مؤسس هم همه روزه ازصبح تاظهر دراداره حاضراست

اعلان

وکلای ولایات ماعجالتاً همان وکلای سابق هستند که روزنامه ادب نیز نزد انها فرستاده میشد وچون ازتمام انها کمال رضایت وامتنان داریم لهذا این روزنامه راهم که عیناً همان روزنامهٔ ادب میباشد وفقط اسم ان تغیر کرده است نزدهمان اشخاص محترم ارسال میداریم طالبین بانها رجوع نمایند

((مجدالاسلام کرمانی))

مقابل شمس العماره

(درمطبعه شرقی)

((بطبع رسید))